

صفات لازمه و جدای ناپذیر یهود به گواهی الله سبحانه و تعالی

(ترجمه)

دشمن ترین و پر تلاش ترین مردم برای صدمه زدن به اسلام و مسلمانان: الله سبحانه و تعالی چنین می فرماید:

﴿لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدُوًّا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْيَهُودِ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا﴾ [مائدة: 82]

ترجمه: (ای پیامبر) خواهی یافت که دشمن ترین مردم برای مؤمنان، یهودیان و مشرکانند.

ابن کثیر در تفسیر این آیه چنین می گوید: «این تنها به دلیل اینست که کفر یهود از روی لجاجت، ناسپاسی، بهتان زدن به حق، حقیر نگاه کردن به مردم و کوچک شمردن صاحبان علم است. به همین علت است که یهودیان بسیاری از پیامبران را به قتل رساندند، حتی چندین مرتبه هم به جان رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم نیز سوء قصد نموده، ایشان را سحر کردند و امثال خود را از مشرکان علیه ایشان تحریک کردند، تا روز قیامت لعنت های پی در پی الله سبحانه و تعالی بر آنان باد». تفسیر سعدی نیز در تفسیر این آیه چنین می گوید: «بیشترین دشمنی و بیشتر تلاش یهود برای صدمه زدن به اسلام و مسلمانان، به دلیل شدت بغض شان نسبت به اسلام و مسلمانان از روی حسد، عناد و کفر است.»

ملتزم بودن به اوامر الله سبحانه و تعالی به زبان و مخالفت در عمل: الله سبحانه و تعالی چنین می فرماید:

﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا ۖ قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ ۗ بَكَفْرِهِمْ ۗ قُلْ بئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ [بقره: 93]

ترجمه: (به یاد آورید) آن گاه را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان نگاه داشتیم (بدین هنگام به شما گفتیم) آن چه را (از اوامر و نواهی مان) به شما دادیم، محکم بگیرید و با قدرت هرچه بیشتر بشنوید (بدان عمل کنید). (در این هنگام اعلان آمادگی کردند) گفتند شنیدیم، ولی (به زبان عمل گفتند) نافرمانی کردیم (زیرا) دل های شان بر اثر کفر با (پرستش) گوساله آبیاری شده بود، بگو: ایمان تان شما را به انجام بدترین چیز دستور می دهد، اگر شما مؤمن هستید.

در تفسیر سعدی در خصوص این آیه چنین آمده است: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا؛ (به یاد آورید) آن گاه را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سرتان نگاه داشتیم (بدین هنگام به شما گفتیم) آن چه را (از اوامر و نواهی مان) به شما دادیم محکم بگیرید و با قدرت هرچه بیشتر بشنوید (بدان عمل کنید).﴾ یعنی: شنیدن قبول، اطاعت و استجابات. ﴿قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا؛ (در این هنگام اعلان آمادگی کردند) گفتند شنیدیم، ولی (به زبان عمل گفتند) نافرمانی کردیم.﴾ یعنی: این حالت و صفت آنان قرار گرفته بود. ﴿وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ؛ (زیرا) دل های شان بر اثر کفر با (پرستش) گوساله آبیاری شده بود.﴾ یعنی: بسبب کفر شان ﴿قُلْ بئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ بگو: ایمان تان شما را به انجام بدترین چیز دستور می دهد اگر شما مؤمن هستید.﴾ یعنی: شما ادعای ایمان دارید و دین حق را می ستایید؛ در حالی که شما پیامبران الله را کشتید و آن گاه که پیامبر الله موسی از نظر شما غایب شد، گوساله را به جای الله به خدایی گرفتید، اوامر و نواهی الله را نپذیرفتید، مگر بعد از آن که شما را تهدید نموده و کوه را بر سر شما برافراشت؛ اما باز هم شما به زبان به اوامر الله اعلان

پایبندی نموده و در عمل با آن مخالفت کردید؛ پس این چه ایمانی است که شما ادعا دارید و این دین چه دین است؟ اگر به ادعای شما این ایمان است؛ پس بد ایمانی است که صاحب خود را به طغیان و کفر به پیامبران الله سبحانه و تعالی نافرمانی بیش از حد فرا می خواند؛ در حالی که همه می دانند ایمان واقعی صاحب خود را به هر کار خیری امر کرده و از هر کار شری منع می کند. بلی، بدین ترتیب دروغ های شان واضح و تناقض گوئی های شان آشکار شده است.

خویشتن را بر الله بلند شمردن، ادعای ثروت مندی بیشتر از الله و فقیر دانستن الله و به قتل رساندن پیامبران: الله سبحانه و تعالی در این خصوص چنین می فراید:

﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ [آل عمران: 181]

ترجمه: بی گمان الله سخن کسانی را شنید که گفتند: الله فقیر است و ما بی نیازیم! آنچه را گفتند خواهیم نوشت و به قتل رساندن پیامبران را به ناحق.

ابن کثیر در تفسیر این آیه چنین می فرماید: «محمد بن اسحاق می گوید: محمد بن ابی محمد، از عکرمه، برایم روایت کرده است که ابن عباس رضی الله عنه چنین فرموده است: ابوبکر رضی الله عنه وارد بیت المدارس شد، دید که در آن جا یهودیان زیادی در اطراف مردی بنام فنحاص گرد آمده اند. فنحاص از علماء و احبار یهود بود، همراه وی حبر بود که به آن اشعاع می گفتند. ابوبکر رضی الله عنه خطاب به فنحاص گفت: وای بر تو از الله بترس و اسلام بیاور! قسم به الله که خوب می دانید که محمد رسول الله بوده و با حق از جانب الله به سوی شما آمده است. شما خود می بنید که حقانیت رسالت رسول الله در تورات و انجیل نوشته است. فنحاص در پاسخ گفت: قسم به الله ای ابوبکر که ما به الله هیچ نیازی نداریم و این که الله نسبت به ما به مراتب فقیرتر است؛ آن گونه که الله در برابر ما تضرع می کند، ما در برابر الله تضرع نمی کنیم؛ چون ما نسبت به الله به مراتب بی نیازتر و ثروت مندتریم؛ اگر الله از ما ثروت مندتر می بود، همان گونه که صاحب (دوست) شما (محمد) گمان می برد؛ پس هرگز از ما مطالبه قرض نمی نمود. الله شما را از گرفتن ربا (سود) منع نموده؛ اما به ما ربا (سود) می دهد. اگر الله ثروت مند می بود، برای ما ربا (سود) نمی داد. همین که چنین گفت، ابوبکر رضی الله عنه خشم گین شده، سیلی محکمی به روی فنحاص زد و گفت قسم به کسی که جانم در دست اوست؛ اگر پیمانی میان ما و شما نمی بود، گردنت را می زدم! ای دشمن الله! اگر راست می گویند؛ هر چه می توانید ما را تکذیب کنید؛ سپس فنحاص نزد رسول الله رفت و گفت ببین که صاحب (دوست) تو با من چه کرد. رسول الله صلی الله علیه وسلم به ابوبکر فرمود: «چه چیزی تورا وادار به این کار نمود؟» ابوبکر گفت یا رسول الله! این دشمن الله سخن بسیار بزرگ و خطیری می گوید. ادعا می کند که الله فقیر و آنان ثروت مند اند؛ همین که چنین گفت من به خاطر الله از چیزی که گفت، خشم گین شده و به روی وی زدم. فنحاص انکار کرد و گفت؛ من چنین چیزی نگفتم. سپس الله سبحانه و تعالی در خصوص آن چه فنحاص گفته بود و برای رد فنحاص و تصدیق ابوبکر این آیه را نازل فرمود: ﴿لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ...﴾ (آیة). (رواه ابن ابی حاتم)؛ اما این فرموده الله سبحانه و تعالی: ﴿سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا؛ آنچه را گفتند خواهیم نوشت﴾ تهدید و وعیدی است برای یهود و از همین جهت است که به تعقیب آن الله سبحانه و تعالی می فرماید: ﴿وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ﴾ و به قتل رساندن پیامبران را به ناحق یعنی: این چیزی است که آن ها در مورد الله سبحانه و تعالی می گویند و این تعامل شان با پیامبران است و به زودی الله سبحانه و تعالی آنان را با این کارشان بدترین جزا می دهد.

نقض عهد و پیمان، سنگ‌دلی، دروغ‌گویی، خیانت و عدم وفاء به عهد: تاریخ گواه این اوصاف یهود است؛ چنان‌چه آنان چندین مرتبه قصد جان رسول الله صلی الله علیه وسلم را نمودند و بدین ترتیب عهد و پیمان خویش با رسول الله را شکستاندند و الله سبحانه و تعالی نیز چنین می‌فرماید:

﴿فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثُقَهُمْ لَعْنَهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۖ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾ [مائده: 13]

ترجمه: پس به سبب پیمان‌شکنی شان آنان را از رحمت خویش دورداشتیم و دل‌های شان را سخت نمودیم آنان کلمات (الله) را از مواضع آن‌ها تحریف و بخش فراوانی از آن‌چه (در تورات) بدیشان تذکر داده شده بود، فراموش کردند و تو پیوسته خیانت (تازه) از آنان می‌بینی؛ مگر عده کمی از ایشان، پس از آنان در گذر و روی برتاب که الله احسان کنندگان را دوست می‌دارد.

ابن کثیر در تفسیر این آیه چنین می‌گوید: ﴿فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثُقَهُمْ لَعْنَهُمْ﴾؛ پس به سبب پیمان‌شکنی شان آنان را از رحمت خویش دورداشتیم؛ یعنی به سبب این‌که آنان پیمانی را که ما از آن‌ها گرفتیم، شکستاندند، آن‌ها را مورد لعنت خویش قرار دادیم؛ یعنی آنان را از حق دور ساخته و آنان را طرد هدایت نمودیم. ﴿وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَسِيَةً﴾؛ و دل‌های شان را سخت نمودیم؛ یعنی قلوب یهود به سبب غلظت و قسوت، پند و موعظه را نمی‌پذیرد. ﴿يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا﴾؛ آنان کلمات (الله) را از مواضع آن‌ها تحریف می‌کنند؛ یعنی درک‌شان فاسد شده، در آیات الله تصرف سوء می‌کنند، کتاب الله را به چیزی غیر از آن‌چه الله نازل فرموده تأویل می‌کنند، کتاب الله را به هدفی غیر از مقصد اش حمل می‌کنند و (العیاذ بالله من ذالک) چیزی‌هایی را علیه کتاب الله می‌گویند که به زبان آورده نمی‌شود. ﴿وَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ﴾؛ و بخش فراوانی از آن‌چه (در تورات) بدیشان تذکر داده شده بود فراموش کردند؛ یعنی: به خاطر بی‌میلی به آن، عمل بر اساس آن را ترک کردند. حسن می‌گوید: «آن‌ها سرای دین خود را ترک نموده و از وظایفی که الله سبحانه و تعالی آن‌ها را بدان مأمور ساخته بود، دست کشیدند؛ وظایفی که بدون آن‌ها هیچ عملی پذیرفتنی نیست.» دیگران می‌گویند: «عمل‌شان را ترک کرده به حال بدی افتادند، بدون دل‌های سالم، فطرت درست و اعمال صالح.» ﴿وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ﴾؛ و تو پیوسته خیانت (تازه) از آنان می‌بینی؛ یعنی مکر و خیانت آن‌ها نسبت به تو و یارانت را. مجاهد و دیگران می‌گویند: «یعنی: آنان به این علت به نابودی پیامبر صلی الله علیه وسلم تمایل دارند.» ﴿فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ﴾؛ پس از آنان در گذر و روی برتاب؛ این خود نصرت و پیروزی است، همان‌طور که برخی از سلف می‌گویند؛ این آیه می‌گوید: با کسی که الله را در مورد تو نافرمانی می‌کند، بیشتر از این آسان‌گیری می‌کنید که در مورد آن از الله اطاعت می‌کنید. به این ترتیب، جمع و تلفیقی از حق برای آن‌ها پدیدار می‌شود تا شاید الله سبحانه و تعالی آن‌ها را هدایت کند. از این روست که الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾؛ که الله احسان کنندگان را دوست می‌دارد؛ یعنی به سبب دوستی الله نسبت محسنین می‌بایست به کسانی که به تو بدی می‌کنند، عفو و احسان کرد.

برگرفته شده از شماره 449/448 مجله الوعی

مترجم: محمد علی مطمئن